

بررسی مقایسه ای رابطه هوش هیجانی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در دختران دانش آموز دارای مادران شاغل و غیر شاغل

فاطمه سندی^{۱*}، مهناز خسرو جاوید^۲، شینا زینعلی^۳

(۱) دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه روانشناسی

(۲) استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان گروه مدیریت

(۳) دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه روانشناسی

*نویسنده مسوول: msandi.psy@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۲/۵/۲۵ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۲/۷/۷ تاریخ پذیرش مقاله ۹۲/۹/۱۹

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش هیجانی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر و مقایسه آن در دختران دانش آموز دارای مادران شاغل و غیر شاغل بوده است. ۳۲۸ نفر از دانش آموزان مدارس راهنمایی تحصیلی از دو ناحیه آموزش و پرورش شهرستان رشت در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب و به پرسشنامه های هوش هیجانی بار-ان و سلامت روانی گلدبرگ و هیلر پاسخ دادند. نتایج تحلیل با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد در هر دو گروه دختران دارای مادران شاغل و غیر شاغل بین همه مولفه های هوش هیجانی و همه مولفه های سلامت روانی همبستگی منفی و معنادار در سطح کمتر از ۰/۰۱ وجود داشت. نتایج آزمون T بیانگر آن بود که از لحاظ هوش هیجانی، سلامت روانی و مولفه های آنان تفاوتی بین دو گروه دختران دارای مادران شاغل و غیر شاغل وجود نداشت اما از لحاظ عملکرد تحصیلی این تفاوت معنادار و به نفع دختران مادران شاغل بدست آمد.

کلید واژگان: هوش هیجانی، سلامت روانی، عملکرد تحصیلی

مقدمه

نیز لازم است. بسیاری از افراد در زمینه علمی به خاطر بهره هوشی بالا در موسسات آموزشی و دانشگاهها به مدارج بالایی نایل می شوند بعضی از همین افراد در محیط کار و خانواده چندان موفق نیستند اما بعضی از افراد با بهره هوشی پایین در محیط خانواده و کار افرادی موفق و سازگار به شمار می روند که علتش می تواند به سطح هوش هیجانی (EI) با توان هدایت هیجانها در تعاملات فردی ارتباط پیدا کند (مایر و سالوی، ۱۹۹۷).

اصطلاح هوش هیجانی^۱ اولین بار در سال ۱۹۹۰ از سوی سالوی و مایر^۲ به عنوان شکلی از هوش اجتماعی مطرح شد (خسرو جاوید، ۱۳۸۱). از نظر آنها هوش هیجانی عبارت است از نوعی پردازش اطلاعات هیجانی شامل ارزیابی درست هیجانها در خود و دیگران، تظاهر مناسب هیجان و تنظیم انطباقی هیجان به گونه ای که باعث تقویت زندگی شود (مایر و همکاران، ۲۰۰۸). در سالهای اخیر تحقیقات علمی نشان داده که تنها داشتن هوش شناختی بالا برای کسب موفقیت کافی نیست و علاوه بر IQ، کیفیات دیگری

حالات خلقی خود را تنظیم کنند، آنها دید مثبتی به زندگی داشته و رضایت بیشتری را از زندگی گزارش کرده اند (مایر، سالوی و کارسو^۷، ۲۰۰۰).

اشتغال مادر وعدم حضور تمام وقت وی در خانه، با تاثیر کمی و کیفی بر مراقبت فرزندان، به عنوان یکی از عوامل موثر بر سلامت روانی فرزندان مطرح می شود (روبرتز^۸، ۲۰۰۲) و با در نظر گرفتن دامنه ای وسیع از الگوهای کاری، از تمام وقت تا پاره وقت، ممکن است بر شاخص هایی چون سازگاری اجتماعی و عاطفی، رشد هوشی و عملکرد تحصیلی فرزندان در مدرسه اثری طولانی مدت گذارد (بایدر و بروکس-گان^۹، ۱۹۹۱؛ هان^{۱۰}، والدفوجل^{۱۱} و بروکس-گان، ۱۹۹۹، بانوم^{۱۲}، ۲۰۰۴). افزون بر این هوش هیجانی نیز تحت تاثیر محیط پرورشی قرار دارد. شواهد حاکی است که حداقل بخشی از هوش هیجانی پایین ناشی از اختلال در روابط مادر-فرزند است که بر تحول سیستم های شناختی و عصبی درگیر در پردازش اطلاعات هیجانی اثر می گذارد. نحوه ی تعاملات هیجانی مادر-فرزند بر بخش هایی از مغز که درگیر تنظیم هیجان است تاثیر می گذارد و ممکن است هوش هیجانی پایین نتیجه آسیب های روانی از جمله محرومیت های هیجانی و بی توجهی والدین باشد که رسش برخی از ساختارهای مغز و ظرفیت های ذهنی مرتبط با پردازش هیجانی را مختل می سازد (تیلور و باگبی^{۱۳}، ۲۰۰۰). همانطور که فوکونیشی، موریتا و ریهن^{۱۴} (۱۹۹۹) نشان داده اند، تحول عاطفی و مهارتهای شناختی برای تنظیم عواطف و در نهایت هوش

مطالعاتی که در زمینه هوش هیجانی صورت گرفته مبین نقش هوش هیجانی و مولفه های آن در جنبه های مختلف زندگی فرد همچون سلامت روانی^۱، پیشرفت تحصیلی، روابط اجتماعی، شغل، ازدواج و... است. در این راستا مطالعات وسیع ورنون^۲ و همکاران (۲۰۰۸)، درباره رفتار افراد طبق الگوی هوش هیجانی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی نشان داد بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. یازیزی، سبیز و آلتان^۳ (۲۰۱۱) نیز در پژوهشی بر روی دانش آموزان دبیرستانی نشان دادند هوش هیجانی پیش بینی کننده قوی موفقیت تحصیلی است. در زمینه رابطه هوش هیجانی و سلامت روانی بار-ان^۴ (۲۰۰۶) معتقد است هوش هیجانی یکی از عوامل مهم در تعیین موفقیت فرد در زندگی محسوب می شود که مستقیماً بر سلامت روانی فرد تاثیر دارد. در یک پژوهش تسائوسیس و نیکولاو^۵ (۲۰۰۵)، رابطه بین هوش هیجانی و سلامت روانی و جسمانی را مورد بررسی قرار دادند و رابطه معناداری میان هوش هیجانی و سلامت روانی و جسمانی بدست آوردند. نتایج پژوهش بیرامی (۱۳۸۷)، در بررسی اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر ابراز وجود، سلامت روانی و خودکارآمدی دانش آموزان نشان داد آموزش هوش هیجانی منجر به افزایش قدرت ابراز وجود، سلامت روانی و خودکارآمدی در دانش آموزان می شود. سالوی، بدل، دتویلر و مایر^۶ (۲۰۰۰)، اظهار می دارند که اکثر افراد با هوش هیجانی بالا، روش های مقابله ای موفق تری دارند، چرا که آنان می دانند چگونه و چه وقت احساس خود را بیان کنند و می توانند به گونه کارآمد

8 - Roberts
9 - Bayder, & Brooks-Gunn
10 - Han
11 - Waldfogel,-
12 - Baum
13 - Taylor, & Bagby
14 - Fukunishi, Morita, & Rahan

1 - mental health
2 -Vernon
3 -Yazici, Seyis,& Altun
4 -Bar-on
5 - Tsaousis, & Nikolaou
6 - Salovey, Bedall, Detweiller, & Mayer
7 - Carsuo

نسبت به مادران خانه دار صرف نظر کنند (بیرن بام^۵ ۱۹۷۵). از طرف دیگر، نظارت کمتر مادران شاغل بر نوجوان می تواند منجر به افزایش پیامدهای منفی و فعالیتهای غیرقانونی از قبیل رابطه جنسی قبل از ازدواج، استفاده از الکل و مواد و بزهکاری در نوجوان شود. علاوه بر این ممکن است رابطه والدین و نوجوان متشنج باشد زیرا نوجوان احساس می کند توسط مادر شاغل طرد شده و یا به دلیل افزایش کار خانگی و مسولیت نگهداری از خواهر و برادران کوچکتر اعتراض می کند (مونتمایور و کلایتون^۶، ۲۰۰۱).

نتایج پژوهش مک ایتاش^۷ (۲۰۰۶)، در رابطه با تاثیر مادران شاغل و غیرشاغل بر فرزندان نشان داد هیچ شواهدی وجود ندارد که فرزندان مادران غیرشاغل دارای عملکرد نامطلوب تری نسبت به فرزندان مادران شاغل هستند. در این راستا نیک یاکوب و سین سیو^۸ (۲۰۱۰)، نشان دادند تفاوت معنی داری در پررخاشگری فرزندان مادران شاغل و غیرشاغل وجود ندارد. برخی مطالعات نشان داده اند فقدان حضور مادر می تواند دارای اثرات منفی بر فرزندان باشد اما این اثرات منفی به اندازه تاثیرات منفی مادران غیرشاغل بر فرزندان سخت و دشوار نیست. اثراتی مانند فقر، تحصیلات والدین و کیفیت نگهداری از فرزند. بدون درآمد مادر ممکن است خانواده در فقر زندگی کند (بوت^۹، ۲۰۰۰). براساس پژوهشی در سال ۱۹۹۸، بهبود استانداردهای زندگی توسط مادران شاغل، اثرات منفی اشتغال مادر را تعدیل می کند (کارول^{۱۰}، ۲۰۰۱). آگینباو و جیتل من^{۱۱} (۲۰۰۳)، در پژوهش خود نشان دادند که اشتغال مادران دارای اثرات مثبت برای

هیجانی، عمیقا با روابط فرزند و والدین بویژه مادر مرتبط است و رابطه ضعیف والدین با فرزند، دستیابی به احساسهای روشن و آگاهانه رابرای کودک دشوار خواهد ساخت. در این راستا نتایج پژوهش آزادی و محمد طهرانی (۱۳۸۹) نشان داد سبک های دلبستگی به مادر باهوش هیجانی ارتباط دارد و در افراد واجد سبک دلبستگی ایمن، هوش هیجانی بالاتر از افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن می باشد.

تاثیر بالقوه اشتغال مادر بر مراقبت اولیه کودک در مطالعات زیادی مورد بررسی قرار گرفته است (بلسکی^۱، ۲۰۰۱؛ شونکوف و فیلیپ^۲، ۲۰۰۰؛ برنستین^۳ و همکاران^۴، ۲۰۰۱؛ رام^۵، ۲۰۰۶). این تحقیقات بیشتر بر کودکان سنین دبستانی متمرکز شده اند تا نوجوانان، زیرا این عقیده وجود دارد که ارتباط کم و جدایی میان مادر و کودک ممکن است منجر به مشکلات روانی برای کودکان شود، اما نوجوانان نیاز کمتری به ارتباط و تماس با مادر دارند (بالبی، ۱۹۷۳). با این وجود اشتغال مادر می تواند دارای پیامدهای مثبت و منفی برای نوجوانان نیز باشد. از یک طرف نوجوانان دارای مادران شاغل ممکن است خودمختاری و پختگی بیشتری نسبت به نوجوانان مادران غیرشاغل داشته باشند همچنین مادران شاغل می توانند الگویی از شایستگی زنانه برای نوجوانان باشند که ممکن است منجر به کاهش عقاید سنتی و قالبی نقش جنسیتی زنان شوند. سرانجام اینکه مادران شاغل ممکن است رابطه تنش زای کمتری با نوجوانان داشته باشند زیرا آنها همه وقتشان را صرف تربیت فرزندان نمی کنند و بنابراین بیشتر می توانند از کنترل های مادرانه

7 - McIntosh
8 - Nik Yaacob, & Sin siew
9 - Boot
10 - Carvel
11 - Aughinbaugh, & Gittleman

1 - Belsky
2 - Shonkoff, & Phillips
3 - Bornstein
4 - Ruhm
5 - Birnbaum
6 - Montemayor, & Clayton

۲. آیا میزان هوش هیجانی و مولفه های آن در دختران نوجوان دارای مادران شاغل و غیرشاغل متفاوت است؟
۳. آیا میزان سلامت روانی و مولفه های آن در دختران نوجوان دارای مادران شاغل و غیرشاغل متفاوت است؟
۴. آیا عملکرد تحصیلی در دختران نوجوان دارای مادران شاغل و غیرشاغل متفاوت است؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

این پژوهش یک مطالعه توصیفی-مقطعی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه جمعیت دانش آموزان دختر مدارس راهنمایی تحصیلی در نواحی یک و دو آموزش و پرورش شهرستان رشت در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ تشکیل می دهند. در انتخاب نمونه تعداد ۳۲۸ دانش آموز که نیمی از آنان دارای مادران شاغل و نیمه دیگر دارای مادران غیرشاغل بودند به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. بدین صورت که از دو ناحیه آموزش و پرورش یک ناحیه به تصادف انتخاب و از این ناحیه ۴ مدرسه دخترانه دولتی و ۲ مدرسه دخترانه غیردولتی به تصادف انتخاب گردید سپس از هر پایه تحصیلی ۴ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای تعیین شاغل بودن مادر سوالی در پرسشنامه در این رابطه منظور گردید.

ابزار

۱. پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان: این پرسشنامه را بار-ان (۱۹۸۰) برای نخستین بار ساخته است. نسخه اصلی آن با ۱۳۳ گویه به صورت فردی و گروهی قابل اجرا است و در مقیاس پنج درجه ای از «کاملاً مخالف تا کاملاً موافق»

نوجوانان مانند الگودهی نقش مثبت و اجازه کسب استقلال به نوجوان است، اما یافته های پژوهشهای بام (۲۰۰۴)، کارول (۲۰۰۱) و لیو^۱ (۲۰۰۵)، بیانگر آن بود که اشتغال مادر دارای پیامدهای منفی از قبیل کاهش نمرات تحصیلی، خلاقیت و افزایش استرس روانشناختی برای نوجوانان است.

جنی تین^۲ و همکاران (۲۰۰۷)، در پژوهشی در رابطه با ساعات کاری مادر و پیامدهای تحصیلی نوجوانان دریافتند، ساعات کار طولانی مدت مادران دارای اثرات نامطلوب مانند افزایش احتمال فرار از مدرسه، کاهش عملکرد تحصیلی و افزایش احتمال کشمکش والدین و مدرسه درباره مشکلات رفتاری نوجوان است. نتایج پژوهش (۲۰۰۸) نشان داد، مادران دارای شغل پاره وقت، اثرات منفی بر موفقیت تحصیلی فرزندان پسر و دختر دارن اما مادران دارای شغل تمام وقت تنها بر موفقیت تحصیلی فرزندان پسر خود تاثیر منفی دارند.

باتوجه به مطالب فوق و یافته های ناهماهنگ و متناقض در زمینه تاثیر اشتغال مادر بر فرزندان و رابطه بین هوش هیجانی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در دختران نوجوان دارای مادران شاغل و غیرشاغل ضرورت بررسی هرچه بیشتر احساس مس شود. بدین منظور پژوهش حاضر در راستای همین هدف در پی پاسخگویی به سوالات زیر است.

۱. آیا بین متغیرهای هوش هیجانی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دختران مادران شاغل و غیرشاغل رابطه وجود دارد؟

و اختلال خواب (۳) نارساکنش وری اجتماعی (۴) افسردگی وخیم. هومن (۱۳۷۷)، در پژوهشی تحت عنوان «استاندارسازی پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ)» بر روی دانش جویان دختر و پسر دوره های کارشناسی دانشگاه تربیت معلم در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵ بر روی یک گروه ۷۵۱ نفری، ضریب آلفای کرونباخ که نشان دهنده هماهنگی درونی است برای مقیاس های فرعی علایم جسمانی ۰/۸۵، علایم اضطراب ۰/۸۷، نارساکنش وری اجتماعی ۰/۷۹ و علایم افسردگی اساس برابر ۰/۹۱ و برای کل مقیاس که نشان دهنده سلامت عمومی است برابر با ۰/۸۳ می باشد همچنین مقدار ضریب روایی این آزمون برابر با ۰/۸۲ بوده است. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۸ محاسبه شده است.

در پژوهش حاضر به منظور بررسی عملکرد تحصیلی دانش آموزان از معدل تحصیلی استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی روابط بین متغیرها و از آزمون T مستقل به منظور مقایسه رابطه بین متغیرها بانرم افزار آماری SPSS بهره گرفته شده است.

یافته ها

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای هوش هیجانی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دختران مادران شاغل و غیرشاغل نتایج تحلیل همبستگی در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

نمره گذاری می شود. نسخه فارسی آن با ۹۰ گویه در جامعه دانشگاهی ایران هنجار شده است (سموعی، ۱۳۸۰). این پرسشنامه دارای ۱۵ خرده مقیاس و ۵ مقیاس است که عبارتند از: (۱) خلق عمومی، (۲) مهارت بین فردی، (۳) مهارت درون فردی، (۴) سازگاری و (۵) مدیریت استرس. از آنجاکه گزینه ها بر روی طیف ۵ درجه ای لیکرت تنظیم شده اند نمره گذاری از ۵ به ۱ (کاملاً موافقم و ۵ کاملاً مخالفم) و در سوالات با محتوای منفی یا معکوس از ۱ به ۵ (کاملاً موافقم و ۱ کاملاً مخالفم) انجام می شود. نمره کل هر مقیاس برابر با مجموع نمرات هریک از سوالات آن مقیاس و نمره کل آزمون برابر با مجموع نمرات مقیاس ها است. در پژوهش بخشی سورشجانی (۱۳۸۷)، اعتبار این آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ و روش دونیمه کردن آزمون به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۹۱ به دست آمد. در پژوهش دیگری (زینعلی و خسروجاوید، ۱۳۸۹) ضریب آلفا برابر با ۰/۷۰ و بازآزمایی (بافاصله یک ماه) برابر با ۰/۷۲٪ گزارش شده اند. در پژوهش حاضر اعتبار آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ محاسبه گردید.

۲. پرسشنامه سلامت روانی: پرسشنامه سلامت روانی دارای ۲۸ ماده است که گلدبرگ و هیلر^۱ (۱۹۷۹) به نقل از هومن، (۱۳۷۷) آن را ساخته اند. این پرسشنامه چهار مقیاس فرعی دارد و برای غربالگری اختلالات روانی غیر سایکوتیک در مراکز درمانی و جوامع طراحی و تدوین شده است. هریک از مقیاس ها ۷ پرسش دارد. مقیاس های تشکیل دهنده عبارت است از (۱) علایم جسمانی (۲) اضطراب

جدول ۱. ماتریس همبستگی پیرسون میان مولفه های هوش هیجانی، مولفه های سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دختران مادران شاغل

| خرده مقیاسها | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ |
|------------------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|------|-------|------|-------|----|----|
| ۱. خلق عمومی | ۱ | | | | | | | | | | | |
| ۲. مهارت | ** | ۱ | | | | | | | | | | |
| بین فردی | ۰/۶۷ | | ۱ | | | | | | | | | |
| ۳. مهارت | ** | ** | ۱ | | | | | | | | | |
| درون فردی | ۰/۷۹ | ۰/۵۶ | | ۱ | | | | | | | | |
| ۴. سازگاری | ** | ** | ** | ۱ | | | | | | | | |
| ۵. مدیریت استرس | ** | ** | ** | ** | ۱ | | | | | | | |
| ۰/۵۶ | ۰/۵۰ | ۰/۶۳ | ۰/۶۷ | | | | | | | | | |
| ۶. هوش هیجانی | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | | | | | | |
| ۰/۸۵ | ۰/۷۳ | ۰/۹۴ | ۰/۸۹ | ۰/۷۷ | | | | | | | | |
| ۷. علایم جسمانی | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | | | | | |
| -۰/۵۴ | -۰/۳۸ | -۰/۵۸ | -۰/۶۱ | -۰/۵۳ | -۰/۶۳ | | | | | | | |
| ۸. اضطراب | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | | | | |
| -۰/۶۲ | -۰/۴۵ | -۰/۶۸ | -۰/۶۸ | -۰/۶۴ | -۰/۷۲ | ۰/۶۷ | | | | | | |
| ۹. نارساکشنوری اجتماعی | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | | | |
| -۰/۵۷ | -۰/۵۱ | -۰/۵۸ | -۰/۵۸ | -۰/۵۰ | -۰/۶۱ | ۰/۵۳ | ۰/۵۸ | | | | | |
| ۱۰. افسردگی | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | | |
| -۰/۶۹ | -۰/۵۶ | ۰/۶۸ | -۰/۶۹ | -۰/۶۱ | -۰/۷۶ | ۰/۶۷ | ۰/۷۶ | ۰/۶۱ | | | | |
| ۱۱. سلامت روانی | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | |
| -۰/۷۲ | -۰/۵۷ | -۰/۷۲ | -۰/۷۵ | -۰/۶۷ | -۰/۸۰ | ۰/۸۲ | ۰/۸۸ | ۰/۷۹ | ۰/۹۱ | | | |
| ۱۲. عملکرد تحصیلی | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | * | * | * | ۱ |
| ۰/۱۴ | ۰/۲۵ | ۰/۰۵ | -۰/۰۷ | -۰/۰۵ | ۰/۱۳ | -۰/۰۵ | ۰/۰۲ | -۰/۱۹ | ۰/۱۶ | -۰/۱۲ | | |

**P<0/01 *P < 0/05

سطح کمتر از ۰/۰۱ بدست آمد و همبستگی بین عملکرد تحصیلی با مولفه های مهار زندگی و افسردگی از میان مولفه های سلامت روانی در سطح کمتر از ۰/۰۱ نیز معنادار است.

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود، بین همه مولفه های هوش هیجانی و همه مولفه های سلامت روانی همبستگی معنادار و منفی در سطح کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد. همبستگی عملکرد تحصیلی تنها با مولفه مهارت بین فردی از میان مولفه های هوش هیجانی مثبت و معنادار در

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون بین مولفه های هوش هیجانی، مولفه های سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دختران مادران غیرشاغل

| خرده مقیاسها | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ |
|------------------------|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|
| ۱. خلق عمومی | ۱ | | | | | | | | | | | |
| ۲. مهارت بین فردی | ** | ۱ | | | | | | | | | | |
| ۳. مهارت درون فردی | ** | ** | ۱ | | | | | | | | | |
| ۴. سازگاری | ** | ** | ** | ۱ | | | | | | | | |
| ۵. مدیریت استرس | ** | ** | ** | ** | ۱ | | | | | | | |
| ۶. هوش هیجانی | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | | | | | | |
| ۷. علایم جسمانی | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | | | | | |
| ۸. اضطراب | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | | | | |
| ۹. نارساکشنوری اجتماعی | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | | | |
| ۱۰. افسردگی | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | | |
| ۱۱. سلامت روانی | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ | |
| ۱۲. عملکرد تحصیلی | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ** | ۱ |

**P<0/01 *P < 0/05

برای پاسخگویی به سوالات دوم، سوم و چهارم پژوهش از آزمون تفاوت میانگین (T استودنت)، به منظور بررسی تفاوت میانگین های متغیرهای هوش هیجانی، سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در دو گروه دانش آموزان دختر دارای مادران شاغل و غیرشاغل بهره گرفته شده است. نتایج این تحلیل در جداول ۳ و ۴ و ۵ نشان داده شده است.

باتوجه به جدول ۲ می توان اظهار کرد همبستگی بین تمام مولفه های هوش هیجانی و همه مولفه های سلامت روانی معنادار و منفی در سطح کمتر از ۰/۰۱ است. همبستگی میان عملکرد تحصیلی با مولفه های خلق عمومی، مهارت درون فردی، مدیریت استرس و هوش هیجانی کل معنادار و مثبت و با مولفه های افسردگی و سلامت روانی کل معنادار و منفی در سطح کمتر از ۰/۰۱ بدست آمد. همچنین همبستگی میان عملکرد تحصیلی با اضطراب و نارساکشنوری اجتماعی در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۳: نتایج آزمون تفاوت میانگین برای مقایسه هوش هیجانی و زیرمقیاس های آن در دختران مادران شاغل (گروه ۱) و دختران مادران غیر شاغل (گروه ۲).

| متغیر | گروه | میانگین | انحراف معیار | درجه آزادی | T | مقدار P |
|-----------------|--------|---------|--------------|------------|-------|---------|
| خلق عمومی | گروه ۱ | ۴۷/۲۹ | ۷/۶۳ | ۳۲۴ | ۰/۲۹ | ۰/۸۷ |
| | گروه ۲ | ۴۷/۰۶ | ۷/۷۹ | | | |
| روابط بین فردی | گروه ۱ | ۷۴/۰۶ | ۷/۴۱ | ۳۲۴ | ۱/۰۸ | ۰/۲۸ |
| | گروه ۲ | ۷۳/۲۰ | ۸/۷۱ | | | |
| روابط درون فردی | گروه ۱ | ۱۰۷/۵۹ | ۱۶/۵۵ | ۳۲۲ | ۰/۸۹ | ۰/۳۷ |
| | گروه ۲ | ۱۰۶/۰۱ | ۱۵/۴۵ | | | |
| سازگاری | گروه ۱ | ۵۹/۸۳ | ۹/۳۹ | ۳۲۴ | -۰/۲۸ | ۰/۷۸ |
| | گروه ۲ | ۶۰/۱۱ | ۹/۰۷ | | | |
| مدیریت استرس | گروه ۱ | ۳۵/۸۵ | ۹/۹۳ | ۳۲۴ | ۰/۷۲ | ۰/۴۷ |
| | گروه ۲ | ۳۵/۱۰ | ۸/۷۰ | | | |
| هوش هیجانی کل | گروه ۱ | ۳۲۵/۲۷ | ۴۲/۳۳ | ۳۲۲ | ۰/۸۳ | ۰/۴۱ |
| | گروه ۲ | ۳۲۱/۵۰ | ۳۹/۸۰ | | | |

جدول ۴: نتایج آزمون تفاوت میانگین برای مقایسه سلامت روانی و زیرمقیاس های آن در دختران مادران شاغل (گروه ۱) و دختران مادران غیر شاغل (گروه ۲).

| متغیر | گروه | میانگین | انحراف معیار | درجه آزادی | T | مقدار P |
|-------------------------|--------|---------|--------------|------------|-------|---------|
| علائم جسمانی | گروه ۱ | ۱۰/۹۶ | ۳/۶۲ | ۳۲۶ | -۱/۳۴ | ۰/۱۸ |
| | گروه ۲ | ۱۱/۴۱ | ۳/۴۹ | | | |
| اضطراب | گروه ۱ | ۱۲/۴۹ | ۴/۵۵ | ۳۲۶ | ۰/۱۵ | ۰/۸۸ |
| | گروه ۲ | ۱۲/۴۶ | ۴/۶۱ | | | |
| نارسانا کنش وری اجتماعی | گروه ۱ | ۱۲/۹۷ | ۴/۱۳ | ۳۲۶ | ۰/۱۱ | ۰/۹۱ |
| | گروه ۲ | ۱۲/۸۵ | ۳/۸۱ | | | |
| افسردگی | گروه ۱ | ۱۱/۷۸ | ۵/۸۴ | ۳۲۶ | -۰/۲۶ | ۰/۷۹ |
| | گروه ۲ | ۱۱/۹۲ | ۵/۵۸ | | | |
| سلامت روانی کل | گروه ۱ | ۴۸/۲۱ | ۱۵/۸۰ | ۳۲۶ | -۰/۴۱ | ۰/۶۸ |
| | گروه ۲ | ۴۸/۶۵ | ۱۴/۹۳ | | | |

جدول ۵. نتایج آزمون تفاوت میانگین برای مقایسه عملکرد تحصیلی در دختران مادران شاغل (گروه ۱) و دختران مادران غیرشاغل (گروه ۲).

| متغیر | گروه | میانگین | انحراف معیار | درجه آزادی | T | مقدار P |
|---------------|--------|---------|--------------|------------|------|---------|
| عملکرد تحصیلی | گروه ۱ | ۲/۹۴ | ۰/۰۷ | ۳۲۶ | ۶/۴۵ | ۰/۰۰۰ |
| | گروه ۲ | ۲/۸۸ | ۰/۱۱ | | | |

باتوجه به جدول ۳ مشاهده می شود تفاوت نمرات هوش هیجانی و زیرمقیاس های آن در دو گروه دختران دارای مادران شاغل و غیرشاغل معنی دار نیست. به عبارت دیگر هوش هیجانی و هیچکدام از زیرمقیاس های آن در دو گروه دختران مادران شاغل و غیرشاغل تفاوتی ندارد.

همانطور که جدول ۴ مشاهده می شود تفاوت نمرات سلامت روانی و زیرمقیاس های آن در دو گروه دختران دارای مادران شاغل و غیرشاغل معنی دار نیست. به عبارت دیگر سلامت روانی و هیچکدام از زیرمقیاس های آن در دو گروه دختران مادران شاغل و غیرشاغل تفاوتی ندارد.

باتوجه به جدول ۵ متوسط نمره عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دارای مادران شاغل ۲/۹۴ و دختران مادران غیرشاغل ۲/۸۸ است و تفاوت نمرات عملکرد تحصیلی در این دو گروه از دختران معنادار بدست آمد که می توان گفت عملکرد تحصیلی دختران مادران شاغل بهتر از دختران مادران غیرشاغل است.

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی و مقایسه رابطه بین هوش هیجانی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان دختر دارای مادران شاغل و غیرشاغل است. یافته های پژوهش نشان داد رابطه بین متغیرهای هوش هیجانی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در هر دو

گروه دختران مادران شاغل و غیرشاغل معنادار است. همسو با نتایج پژوهش حاضر یافته های پژوهش خواجه پور (۲۰۱۱) در رابطه بین هوش هیجانی، درگیری والدین در امور تحصیلی فرزندان و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان دبیرستانی نشان داد رابطه مثبت و معنادار بین هوش هیجانی و درگیری والدین در مسائل تحصیلی فرزندان می تواند موفقیت تحصیلی را پیش بینی کند. این یافته با نتایج پژوهشهای پارکر^۱ (۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳)، آبیسامرا^۲ (۲۰۰۰) و ورنون و همکاران^۳ (۲۰۰۸) نیز هماهنگ است. در تبیین این یافته می توان گفت، مدیریت موثر احساسات یک جنبه مهم از رفتار است. تحقیقات اخیر در زمینه شخصیت نشان داده است بلوغ عاطفی و مهارتهای اجتماعی همراه با هوش، منجر به سازگاری و موفقیت در زندگی شخص می شود. فردی که دارای هوش هیجانی بالایی است می تواند احساساتش را به روش بهتری مدیریت کند و توانایی بیشتری در مقابله با استرس و حل مشکلات دارد، به تبع چنین شخصی در زمینه های مختلف تحصیلی و حرفه ای موفق تر و سازگارتر است. هوش هیجانی یک پیش بین مطمئن پیشرفت تحصیلی نسبت به هوش عمومی است (گوچار^۳ و همکاران، ۲۰۱۰).

درخصوص رابطه میان هوش هیجانی و سلامت روانی شوت^۴ و همکاران (۲۰۰۷)، در یک بررسی فراتحلیلی بر روی ۴۱ مطالعه انجام شده درمورد هوش هیجانی و سلامت

اثر منفی ونه اثر مثبت بر رشد فرزندان است (نیک یاکوب و سین سیو، ۲۰۱۰؛ مک اینتاش، ۲۰۰۶؛ کارنیرو و هکمان^۳، ۲۰۰۳). در تناقض با یافته های پژوهش حاضر، نتایج پژوهش دب^۴ و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد، نوجوانان دارای مادران شاغل نسبت به نوجوانان دارای مادران غیرشاغل مضطرب تر و دارای سلامت روانشناختی کمتری بودند. این نتایج با یافته های پژوهشهای بام (۲۰۰۴)، کاول (۲۰۰۱) و لپو (۲۰۰۵) هماهنگ است.

از دیگر یافته های پژوهش حاضر تفاوت معنادار در عملکرد تحصیلی دختران مادران شاغل و غیرشاغل است. نتایج نشان داد عملکرد تحصیلی دختران مادران شاغل بهتر از دختران مادران غیرشاغل است. همسو با نتایج پژوهش حاضر کونلی و آلبرایت^۵ (۲۰۰۴)، دریافتند دختران مادران شاغل نسبت به دختران مادران غیرشاغل به موفقیت تحصیلی بیشتری گرایش دارند. نتایج پژوهش بودیو^۶ (۱۹۹۹) در مقایسه پیشرفت تحصیلی دختران نوجوان مادران شاغل و غیرشاغل نشان داد پیشرفت تحصیلی دختران مادران شاغل نسبت به دختران مادران غیرشاغل بیشتر بوده است. در تناقض با این نتیجه بام (۲۰۰۴)، در پژوهشی اثرات مادران شاغل بر نوجوانان را در دانش آموزان دبیرستانی مورد بررسی قرار داد و دریافت اشتغال مادر در سالهای نوجوانی نمرات دانش آموزان را به طور معناداری کاهش می دهد.

در تبیین تناقض نتایج پژوهشهای گوناگون در زمینه پیامدهای مختلف اشتغال مادر بر فرزندان می توان اظهار کرد اشتغال مادر صرفا نمی تواند دارای پیامدهای مثبت و یا منفی برای فرزندان باشد. متغیرهای تاثیرگذار دیگر مانند

روانی دریافتند که هوش هیجانی و سلامت روانی دارای همبستگی مثبت هستند. این یافته همسو با نتایج پژوهشهای تسائوسیس و نیکولاو (۲۰۰۵)، اوگینسکا-بولیک^۱ (۲۰۰۵) و یعقوبی و همکاران (۱۳۸۷) است. در پژوهشی که آمسترانگ^۲ و همکاران (۲۰۱۱)، در رابطه با هوش هیجانی و انعطاف پذیری در برابر حوادث منفی زندگی انجام دادند نتایج نشان داد هوش هیجانی با حوادث و اندوه همبستگی منفی دارد و افراد دارای هوش هیجانی بالا، حوادث منفی و تنش زای کمتری را گزارش کردند که منجر به تداوم کمتری در رنج و اندوه آنان می شود. اوگینسکا-بولیک (۲۰۰۵)، نشان داده است، افراد دارای هوش هیجانی بالاتر، استرس کاری و مشکلات کمتری دارند. از نظری هوش هیجانی نقش پیشگیری کننده ای در مشکلات سلامتی و بویژه افسردگی دارد. افراد دارای سطوح بالای هوش هیجانی با توانایی مقابله بهتر با استرس و بیان هیجانها و نیز مدیریت و کنترل آنها مشخص می شوند. بنابراین می توان گفت که احتمالا هوش هیجانی بالا از یک سو از طریق افزایش مهارت های مقابله ای، استرس فرد را کاهش می دهد و بر سلامت روانی فرد اثر می گذارد و از سوی دیگر، مهارت های هوش هیجانی، مهارت های ارتباطی (درون فردی و بین فردی) و توانایی افراد را در ایجاد و حفظ شبکه های اجتماعی افزایش می دهد که این امر نیز به سلامت عمومی افراد کمک می کند.

یافته های پژوهش حاضر نشان داد، تفاوت معناداری از لحاظ هوش هیجانی و سلامت روانی و مولفه های آنان در دختران دارای مادران شاغل و غیرشاغل وجود ندارد. در تحقیقات گوناگون نشان داده شده که اشتغال مادر نه دارای

4 - Deb
5 - Conley, & Albright
6 - Badhdev

1 - Oginska-Bulik
2 - Armstrong
3 - Carneiro, & Heckman

توافق عمومی نوظهور در زمینه اثرات اشتغال مادر، دیدگاه گذشته در زمینه تأثیرات ذاتی منفی اشتغال مادر را رد می کند و به جای آن بر شناسایی چگونگی عوامل چندگانه از قبیل ویژگی های مادر و فرزند و تعامل مولفه های نظام خانواده در تولید پیامدهای گوناگون رشد کودک تمرکز دارد (بروکس-گان، ۲۰۰۲). با توجه به مطالب ذکر شده پیشنهاد می شود در پژوهشهای آتی نقش متغیرهای واسطه گر در رابطه میان اشتغال مادران و پیامدهای رفتاری فرزندان از قبیل نوع شغل مادر، میزان تحصیلات، شغل تمام وقت یا پاره وقت، میزان درآمد، جنسیت فرزند و ... مورد ملاحظه قرار گیرد.

منابع

- آزادی، مهران و محمدطهرانی، مریم (۱۳۸۹). هوش هیجانی و سبک های دلبستگی. فصلنامه روان شناسی تحولی: روان شناسان ایرانی، سال هفتم شماره ۲۵، ۴۹-۵۶.
- بخشی سورشجانی (۱۳۸۷). رابطه هوش هیجانی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان. دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۱۹، ۱۱۶-۹۷.
- بیرامی، منصور (۱۳۸۷). بررسی اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر ابراز وجود، خودکارآمدی و سلامت روانی دانش آموزان.
- فصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال سوم، شماره ۱۱، ۴۲-۲۵.
- خسروجاوید، مهناز (۱۳۸۱). بررسی اعتبار و روایی عامل هوش هیجانی شات در میان نوجوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- روانشناسی عمومی دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- زینعلی، شینا و خسروجاوید، مهناز (۱۳۸۹). هوش هیجانی و سبک های حل مساله در معتادان. فصلنامه روان شناسی تحولی: روان شناسان ایرانی، ۲۴، ۳۶۹-۳۶۱.

نوع شغل، میزان تحصیلات، شغل تمام وقت یا پاره وقت، میزان درآمد، نوع روابط خانوادگی، شیوه های فرزندپروری، جنسیت فرزند و عوامل بیشمار دیگر در این رابطه نقش واسطه گر ایفا می کنند. در این راستا کارنیرو و هکمان (۲۰۰۳) در بررسی رفتار ضداجتماعی و مشکلات رفتاری فرزندان مادران شاغل دریافتند، رابطه ای میان رفتار فرزندان و شاغل بودن مادر وجود ندارد. آنها نشان دادند این رفتارها به طور قوی با زمینه خانوادگی، میزان درآمد، نژاد، تحصیلات و توانایی مادر رابطه دارد. در پژوهش دیگری ریجسویگ^۱ و همکاران (۲۰۰۴)، دریافتند اشتغال تمام وقت مادران منجر به کاهش سلامت روانی خانواده می شود اما اشتغال پاره وقت مادران نه فقط می تواند منجر به تعادل میان کار و خانواده شود بلکه با بالا بردن روحیه مثبت مادران باعث افزایش سلامت روانی افراد خانواده خواهد شد. نتایج پژوهش آگینباو و جیتل من^۲ (۲۰۰۳) نشان داد که اشتغال مادر در طول دوره نوجوانی با رفتارهای خطرناک در نوجوان رابطه ای ندارد. این نتیجه ممکن است به دلایل گوناگونی اتفاق افتد از طرفی تأثیرات منفی اشتغال مادر می تواند به وسیله تأثیرات مثبت آن از قبیل الگوی نقش مثبت مادر و دادن استقلال بیشتر به نوجوان تعدیل گردد و از طرف دیگر اشتغال مادر تنها علت تأثیرگذار بر رفتار نوجوان نیست و عوامل گوناگون دیگری از قبیل زمینه خانوادگی، سطح درآمد، ترتیب تولد و تعداد خواهر و برادران، محیط بیرون خانواده، همسالان، همسایه ها، اجتماع و مدرسه دارای تأثیرات مهمی بر رفتار نوجوان است (کورمان و سوئونت^۳، ۲۰۰۲؛ موکان و همکاران^۴، ۲۰۰۲).

- Manuscript, National Institute of Child Health and Human Development.
- Bowlby, J. 1973. Separation. New York: Basic Books.
 - Carneiro, P., & Heckman, J.J. 2003. Human Capital Policy. NBER Working Paper 9495, Cambridge, MA.
 - Carvel, J. 2001. Children of working mother 'At risk'. society cuardian.
 - Conley, D, & Albright, K. 2004. The effect of maternal labor market participation on adult sibling outcomes: Dose having a working mother lead to increased gender equality in the family? Mimeo. New York University.
 - Deb, S., Chatterjee, P., Walsh, K. 2010. Anxiety among high school students in India: comparisons across gender, school type, social strata and perceptions of quality time with parents. Australian Journal of Educational & Developmental Psychology, 10, 18-31.
 - Fukunishi, I., Sei, H., Morita, Y., & Rahan, R.H. 1999. Sympatetic activity in alexithymics with mother's lowcare. Journal of Ssychosomatic Research, 6, 579-589.
 - Gennetian, L.A., Lopoo, L.M., London, A.S. 2007. Maternal work hours and adolescent's school outcomes among low-incom families in four urban counties. National Poverty Center. 1-43.
 - Gujjar, A.A., etal . 2010. Comparison of the emotional intelligence of the university students of the panjab province. Procedia, Social and Behavioral Sciences, 2, 847-853.
 - Han, Wen-Jane Waldfogel, and Brooks-gunn, Jeanne. 1999. Long-Run effects of early maternal employment on children's achivement and behavior. Paper presented at the 64 annual meeting of population association of America, 25- 27 March 1999, New York, NY, USA.
 - Khajehpour, M. 2011. Relationship between emotional intelligence, parental involvement and academic performance Of high school students. Procedia, Social and Behavioral Sciences, 15, 1081-1086.
 - Kooreman, P, & Soetvent, A. 2002. A Discrete choice model with social interactions: An Analysis of high school teen behavior. Unpublished, University of Groningen.
 - Lopoo, L.M. 2005. Maternal emoloyment and teenage childbearing: evidence from the PSID.
 - Journal of policy analysis and management, 24(1): 23-46.
 - هومن، حیدرعلی (۱۳۷۷). استاندارسازی پرسشنامه سلامت عمومی بر روی دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه تربیت معلم،
 - پژوهش حوزه معاونت دانشجویی و فرهنگی مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه گیلان.
 - یعقوبی و همکاران (۱۳۸۷). بررسی رابطه هوش هیجانی با احساس غربت و سلامت عمومی دانشجویان. فصلنامه علمی-پژوهشی
 - روانشناسی دانشگاه تبریز، سال سوم، شماره ۹، ۱۵۳-۱۳۷.
 - Abisamra, N. 2000. The relationship between emotional intelligent and academic achivement in elevent graders. Research in Education, FED.661.
 - Armstrong, A.R., Galligan, R.F., Critchley, C.R. 2011. Emotional inteligenice and psychological resilience to negative life events. Personality and Individual Differences. Article in Press.
 - Aughinbaugh, A. & Gittleman, M. 2003. Maternal employment and adolescent risky behavior. Journal of Health Economics, 23(4): 815-838.
 - Badhdev, P.V. 1999. Academic achievement among children of working and non-working mothers. Indian Psy. Rev., 52(2), 69-73.
 - Bar-on, R. 2006. The bar-on model of emotional-social intelligence(ESI). psicothema, 38, 547-558.
 - Baum, C.L. 2004. The long-term effects of early and recent maternal employment on a child's academic achievement. Journal of Family Issues, 25(1). 29-60.
 - Bayder, Nazli, & Brooks-Gunn, Jeanne. 1991. Effects of maternal employment and childcare arrangements on preschooler's cognitive and behavioral outcomes: evidence from the children of the national longitudinal survey of youth. Development Psychology, 27(6): 932-945.
 - Belsky, J. 2001. Development risk associated with early child care. Journal of Child Psychology and Psychiatry, 42, 845-860.
 - Birnbaum, J.A. 1975. Life patterns and self-esteem in gifted family oriented and career committed women. In M.S.Mednick, S.S.Tangri, & L.W.Hofman (Eds). women and achivement. washington, D.C.: Hemispher.
 - Boot, L. 2000. Working mother at risk from too much guilt-ivillage limited.
 - Bornstein, M.H., Gist, N.F., Hahn, C.S, Haynes, O.M., & Voigt, M.D. 2001. long-term cumulative effect of dycare experience on children's mental and socioemotional development. Unpublished

- Ruhm, C.J. 2006. Maternal employment and adolescent development. Working paper submitted to the Journal of Labor Economics. 83-99.
- Salovey, P., Bedall, B.T., Detweiller, J.B., & Mayer, J.D. 2000. Current direction in
 - emotional intelligence research. inm. Lewic & J.haviland-jones (EDS), handbook of Emotions (2ed) (pp: 504-520). New York: Guilford press.
- Schotte, N.S., Malouff, J.M., Thorsteinsson, E.B., Bhullar, N., & Rooke, S.E. 2007. A Meta-analytic investigation of relation between emotional intelligence and health. *Personality and Individual Differences*, 42, 921-933.
- Shonkoff, J.P., & Phillips, D.A. (Eds). 2000. From neurons to neighborhood: The science of early childhood development. Washington, DC: National academy press.
- Tanaka, R. 2008. The gender-asymmetric effect of working mothers on children's education: Evidence from Japan. *Japanese Int. Economies*, 22, 586-604.
- Taylor, G.J, Bagby, R.M. 2000. An overview of the alexithymia construct in: The handbook of emotional intelligence (pp:40-67), by Jossey Bass, R., Bar-on and Parker, J.D.A. (Eds). Sanfrancisco.
- Tsaousis, I., & Nikolaou, I. 2005. Exploring the relationship of emotional intelligence with physical and psychological health functioning. *Stress and Health*, 21, 77-86.
- Vernon, P.A., Petrides, K.V., Bratko, D., & Schermer, J.A. 2008. A Behavioral genetic study of trait emotional intelligence. *Emotion*, 8, 635-642.
- Yazici, H., Seyis, S., Altun, F. 2011. Emotional intelligence and self- efficacy beliefs as predictors of academic achievement among high school students. *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, 15, 2319-2323.
- Mayer.D., Salovey, O., Carsuo, D.R. 2008. Emotional intelligence, *American Psychological Association*, 63(6), 503-511.
- Mayer.D., Salovey, O., Carsuo, D.R. 2000. Model of emotional intelligence. inr.j.strenberg(ed), handbook of intelligence (pp:396-420). Cambridge, England: Cambridge university press.
- Mayer, J.D., Salovey, P. 1991. What is emotional intelligence? in P.Salovy & D.Sluyter (EDS). Emotional development and emotional intelligence: education implication (pp:3-31). New York: basic book.
- McIntosh, K.L. 2006. Working mother Vs stay at home mother: the impact on children. Master Dissertation, Marietta College.
- Mocan, H., Naci, Benjamin Scafidi, & Erdal Tekin. 2002. Catholic schools and bad behavior. *IZA Discussion*, paper no 599, october.
- Montemayor, Raymond., & Clayton, Mark. 2001. Maternal employment and adolescent development. *Theory into Practice*, Number2, 112-118.
- Nik Yaacob, N.R., & Sin siew, H. 2010. Mother working status and physical aggressive behavior among children in malaysia. *Journal of Procedia, Social and Behavioral Sciences*, 5, 1061-1066.
- Oginska-Bulik, N. 2005. Emotional intelligence in the workplace: exploring its effects on occupation stress and Health outcomes in human service workers. *International Journal of Occupational Medicine and Environmental. Health* 18, 63-68.
- Parker J.D.A., etal. 2003. Academic succes in high school: dose emotinal matter? ERIC Clearing House.
- Parker J.D.A., etal. 2002. Emotional intelligence academic success: examining the transition from high school to university. ERIC Clearing House.
- Parker J.D.A., etal. 2001. Emotional intelligence and academic achievement. A paper presentation at the annual meeting of the canadian psychological association, Quebec City, Quebec.
- Rijswijk, K.V., Bekker, M.H., Rutte, C.G., & Croon, M.A. 2004. The relationships among part-time work, work-family interference, and well-being. *Journal of Occupational Health Psychology*, 9, 286-295.
- Roberts, Paul. 2002. The Effect of changes in maternal employment and family composition on children's behavior. Working paper no. Applied Research Branch, Strategic Policy, Human Resources Development Canada, Hull, Quebec, canada.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 4, No. 3, Winter 2014, No 16



Journal of Educational
Psychology

The comparison of relation between emotional intelligence with mental health and academic achievement in girl students with employed and unemployed mother

Fatemeh Sanadi ^{1*}, Mahnaz Khosro Javid ², Shina Zainali ¹

- 1) Department of psychology, Guilan University, Rasht, Iran
- 2) Assistant professor, Department of psychology, Guilan University, Rasht, Iran.
- 3) Department of psychology, Guilan University, Rasht, Iran

*Corresponding author: msandi.psy@gmail.com

Abstract

The purpose of this research investigated the relationship between emotional intelligence and mental health and academic achievement, and comparison of that between girl students with employment and unemployment mother. 328 female students were selected from two area guidance school education in Rasht, the academic year 1390-1391 to the cluster sampling. The students responded Bar-on emotional intelligence and Golberg mental health questionnaires. Using the pearson correlation analysis showed there was a negative and significant relationship in two group of girls with employment and unemployment mother, between all of the emotional intelligence and mental health subscales less than 0/01. Result of T-test showed there was no difference between girls with employment and unemployment mother, but there was significant difference between two groups of girls in academic achievement.

Keywords: Emotional intelligence, mental health, Academic achievement
